



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

CNN

## سکوت فرانسه و انگلیس در مقابل درخواست اسرائیل

اسرائیل کاتز، وزیر امور خارجه اسرائیل روز جمعه اعلام کرد که اسرائیل از شرکای بین‌المللی خود مانند بریتانیا و فرانسه انتظار دارد که در پاسخ به حمله واکنش ایران در خصوص ترور اسماعیل هنیه در تهران، نه تنها در دفاع، بلکه در حمله به اهداف مهمی در ایران نیز به اسرائیل بپیوندند. براساس گزارشی که وزارت خارجه اسرائیل منتشر کرده، کاتز این ادعا را در جلسه‌ای که برای گفت‌وگو با همتایان انگلیسی و فرانسوی خود در بیت‌المقدس برگزار شده بود تادرباره جلوگیری از تشدید تنش در منطقه و پیشبرد توافق اسرائیل و حماس درباره گروگان‌ها گفت‌وگو مطرح کرده است. با این حال، هم فرانسه و هم انگلیس چنین چشم‌انداز و چنین درخواستی را کم‌اهمیت جلوه داده‌اند و بریتانیا بر لزوم شکستن «چرخه مخرب فعلی خشونت تلافی‌جویانه» در خاورمیانه تأکید کرده است. استفان سژورنه، وزیر امور خارجه فرانسه در یک کنفرانس مطبوعاتی در بیت‌المقدس گفت که صحبت از «تلافی یا آمادگی برای انتقام جویی از سوی اسرائیل» در حالی که مذاکرات دیپلماتیک در جریان است، «نامناسب» است. بیانیه کاتز در بحبوحه بیم و ترس از حمله تلافی‌جویانه از سوی ایران، پس از ترور اسماعیل هنیه، رهبر سیاسی حماس در تهران منتشر شده است. ایران اسرائیل را مسئول مرگ هنیه دانسته اما اسرائیل مسئولیت آن را تأیید یا رد نکرده است. اما نشانه‌ها همه حکایت از مسئولیت اسرائیل دارد و جامعه بین‌المللی نیز به‌طور ضمنی اسرائیل را مسئول این ترور قلمداد می‌کند. هنگامی که در مورد بیانیه کاتز سوال شد، سخنگوی وزارت امور خارجه بریتانیا تأکید کرد که بریتانیا «همگام با متحدان خود برای کاهش تنش‌ها کار می‌کند» و افزود که آنها «از همه طرف‌ها می‌خواهند که از تداوم چرخه مخرب فعلی خشونت تلافی‌جویانه خودداری کنند.» او گفت: «ما از ایران و متحدانش می‌خواهیم از حملاتی که تنش‌های منطقه‌ای را بیشتر می‌کند و فرصت توافق بر سر آتش‌بس و آزادی گروگان‌ها را به خطر می‌اندازد، خودداری کنند. هیچ کشور یا ملتی از تشدید تنش بیشتر در خاورمیانه سودی نخواهد برد.» یک منبع آگاه از دیدار روز جمعه وزرای خارجه اسرائیل، فرانسه و بریتانیا به سسی‌ان‌ان گفته است که این سه وزیر «در مورد پیوستن به هیچ ائتلافی برای پاسخ به واکنش احتمالی ایران گفت‌وگویی نکرده‌اند». در همین حال، یک مقام ارشد دولت ایالات متحده لحن تندتری به کار گرفته و در روز جمعه هشدار داد که اگر تهران تصمیم به حمله به اسرائیل و تشدید درگیری در خاورمیانه بگیرد، ممکن است عواقب «فاجعه‌باری به‌ویژه برای خودش» وجود داشته باشد. این مقام افزود: آمریکا از طریق واسطه‌ها ایران را تشویق کرده است که دست به حمله نزند، زیرا مسیری برای دستیابی به آتش‌بس و معامله گروگان‌ها روی میز وجود دارد. این مقام گفت، کاهش تنش و پتانسیل برای توافق آتش‌بس «جدا» است، اما به‌طور «موازی» اتفاق می‌افتد. هنگامی که خبرنگار سسی‌ان‌ان از او پرسید که آیا ایالات متحده در هر حمله‌ای به ایران پس از اظهارات کاتز دخالت خواهد کرد، این مقام ارشد دولت عقب‌نشینی کرده و گفت که این وضعیت «بسیار فرضی» است. این مقام افزود: ما منابع نظامی را در منطقه مستقر کرده‌ایم که برای هر حادثه احتمالی مورد نیاز هستند و در هماهنگی بسیار نزدیک با شرکا و متحدان خود کار می‌کنیم. ما برای هر گونه احتمالاتی آماده‌ایم و به دفاع از اسرائیل کمک می‌کنیم و در هیچ کاری پیش‌دستی نمی‌کنیم. من فقط این را می‌گویم که این حمله از سوی ایران الان پیش‌بینی شده است، فکر می‌کنم در دو هفته و نیم گذشته هر روز درباره‌اش صحبت شده است. پس باید ببینیم که چه اتفاقی رخ خواهد داد. من فقط می‌گویم که ما آماده‌ایم.»

تاریخ  
دیپلماسی



## نقش آنتوان کتابچی خان در قراردادهای رویترا، تالبوت و داریسی

# دلالت امتیاز

دلالت امتیازات در دوره ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه مهم و تأثیرگذار بود و در نهایت نیز با میراث هفت درصد از سهام امتیاز داریسی خانواده‌اش را به ثروتی افسانه‌ای رساند که تا دهه‌ها خاندان او را بهره‌مند کرد.

### آنتوان کتابچی تبعه عثمانی چگونه ایرانی شد؟

آنتوان کتابچی در سال ۱۸۴۳ در قسطنطنیه در خانواده رومی گرچی الاصل به دنیا آمد. او فرزند دوم و پسر اول در میان شش خواهر و برادر بود. پدرش، وینسنت کتابچی، از دلانان نزدیک به دربار سلطان عثمانی بود. کتابچی در حدود ۱۴ سالگی برای تکمیل تحصیلات خود به لیورنو ایتالیا فرستاده شد. در آنجا ایتالیایی و فرانسوی را آموخت که علاوه بر ارمنی و ترکی به آنها نیز به خوبی صحبت می‌کرد. به خاطر بیماری پدرش در سال ۱۸۶۱ به قسطنطنیه بازگشت. در سال ۱۸۶۶، با یک ارمنی در تجارت پارچه شریک شد و سه سال بعد مستقل شد. در سال ۱۸۷۰ با فیلیومن آلتونیان، زنی ارمنی کاتولیک که پدر و مادرش از ناحیه جلفای نواصفهان در ایران بودند، ازدواج کرد. سه پسر به نام‌های وینسنت، پل و ادوارد از این ازدواج در قسطنطنیه به دنیا آمدند. تجارت کتابچی به سرعت رونق گرفت. او تأمین‌کننده رسمی پارچه خیاط‌های سلطان شد و شروع به تنوع بخشیدن به تجارت خود کرد. او شروع به فروش اسلحه، اخذ نمایندگی از شرکت‌های بزرگ اروپایی و تأمین‌کننده اسلحه در وزارت جنگ کرد. در سال ۱۸۷۴، با همکاری سرکسیان ارمنی، یک شرکت کارخانه چوب‌بری مکانیکی در بلغارستان، که در آن زمان استان عثمانی بود، ایجاد کرد. اما در سال ۱۸۷۶، ناآرامی‌های جدی در امپراطوری عثمانی آغاز شد. استان‌های اروپایی بالکان علیه امپراطوری شورش کرده بودند. پس از هرزگوین، نوبت شورش بلغارستان در آوریل ۱۸۷۶ رسید. در نتیجه این مشکلات، سلطان عبدالعزیز در ۳۰ مه ۱۸۷۶ از سلطنت کناره‌گیری کرد. جانشین و برادرزاده او، مراد پنجم، سه ماه بعد به دلیل جنون بازداشت شد. برادرش عبدالحمید دوم جایگزین او شد، که از طریق سرکوب خونین شورش بلغارستان در آوریل ۱۸۷۶، روسیه را به اعلان جنگ علیه ترکیه در ۲۴ آوریل ۱۸۷۷ سوق داد. در نتیجه این وقایع، تجارت کتابچی در معرض ورشکستگی قرار گرفت. شرکت کارخانه چوب‌بری مکانیکی توسط شورشیان بلغاری در سال ۱۸۷۶ سوزانده و غارت شد. تغییرات سریع سلاطین و دولت‌ها باعث شد که او موقعیت خود را به‌عنوان مشتری خیاط سلطان و تأمین‌کننده اسلحه برای وزارت جنگ از دست بدهد. در اکتبر ۱۸۷۷، او مجبور شد برای مذاکره درباره بدهی‌های خود با تأمین‌کنندگان و طلبکاران آلمانی، بلژیکی و فرانسوی خود به اروپا برود و در همین سفر بود که با ایران آشنا شد و پایش به سرزمین پارس‌ها باز شد.

### پاریس و امتیاز راه‌آهن در ایران

او در سال ۱۸۷۸ در پاریس با دولتمردان ایرانی سرتیپ نظرقا یمین السلطنه، وزیر مختار ایران در پاریس، ژنرال نریمان خان، دستیار شاه، و میرزا حسین خان مشیرالدوله، نخست‌وزیر شاه ملاقات کرد که مشغول تدارک ورود ناصرالدین‌شاه به فرانسه برای نمایشگاه جهانی ۱۸۷۸ بودند. این بزرگان او را متقاعد کردند که از شاه برای احداث خط رشت به تهران امتیاز راه‌آهن خواهد. کتابچی با مشارکت آنتونی آلن بانکدار و مدیر سابق بانک امپراطوری عثمانی در قسطنطنیه، در دسامبر ۱۸۷۸ امتیاز راه‌آهن را از شاه گرفت. در ژوئیه ۱۸۷۹، کتابچی به ژنرال نریمان خان در وین پیوست، که سال قبل به‌عنوان وزیر مختار ایران در اتریش منصوب شده بود. کتابچی با کمک ژنرال، حرکت خود را به ایران آغاز کرد و در اوت ۱۸۷۹ به همراه خانواده و مهندس اتریشی شرز و دو دستیارش اروپا را ترک کرد و دو ماه بعد وارد تهران شد. مهندسان نقشه‌برداری خط راه‌آهن را آغاز کردند، اما این پروژه با مخالفت روس‌ها و انگلیسی‌ها مواجه شد و تحت فشار هر دو قدرت، شاه امتیاز را در مارس ۱۸۸۰ لغو کرد.

### تهران و ریاست گمرک ایران

کتابچی تصمیم گرفت در تهران بماند و پس از مذاکرات سخت در مورد حقوق، در سال ۱۸۸۱ سمت مدیرکل گمرک ایران را پذیرفت. رئیس او در آن زمان آقا محمدابراهیم امین‌السلطان پدر میرزاغلی اصغرخان اتابک، اگرچه رسماً صدراعظم نبود، اما نقش مهمی در دربار شاه داشت و از جمله امور مالی در اختیار او بود. با مرگ آقاابراهیم، پسرش میرزاغلی اصغرخان لقب امین‌السلطان و وظایف پدرش را بر عهده گرفت و به این ترتیب رئیس جدید کتابچی شد. میرزاغلی اصغرخان اتابک در سال ۱۸۹۱ توسط ناصرالدین‌شاه به صدراعظمی منصوب شد و در سال ۱۹۰۰ لقب اتابک اعظم را از مظفرالدین‌شاه دریافت کرد که به ندرت اعطا می‌شد. او پس از شاه قدرتمندترین مرد ایران بود.

با روی کار آمدن امین‌السلطان جوان، روابط کتابچی و رئیس جدیدش تیره شد. کتابچی تحمل اینکه تحت فرمان مرد جوانی پانزده سال کوچکتر از خود باشد نداشت. اما پس از مدتی این دو یاد گرفتند که قدر یکدیگر را بدانند، کتابچی به هوش امین‌السلطان پی برد و اتابک نیز از

بهره‌برداری به ذهن‌ها خطور کرد. دولت‌ها و شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران اروپایی که به شکارچی امتیازات شهره بودند در سرتاسر دنیا به دنبال چنین امتیازاتی بودند و در قاره‌های آمریکا و آفریقا و استرالیا و حتی هند از طریق بهره‌برداری همین امتیازات به ثروت‌های افسانه‌ای دست یافته بودند اما ایران که دولت نیمه‌مستقلی داشت و هرگز به مستعمره بدل نشد بازار بکر و دست‌نخورده‌ای بود که همچون سیب رسیده بر شاخه درخت می‌درخشید. اما چیدن این سیب ممنوعه در دسرهایی هم داشت که بعدها در لغوی در پی امتیازات واگذار شده به خاطر اعتراضات عمومی و همچنین رقابت روسیه و انگلیس خود را نشان داد. اعطای این امتیازات در بازار مکاره اروپا نیازمند دلالتی بود که سرمایه‌گذاران تشنه را وسوسه و راهی ایران کنند و در میان این دلالت‌ها یک نام بیش از همه تکرار شده است؛ آنتوان کتابچی خان. کتابچی که گرچی و تبعه عثمانی بود در جریان سفر اروپایی ناصرالدین‌شاه به دربار ایران مرتبط شد و به ایران آمد و با کمک امین‌السلطان که او هم تبار گرچی داشت مدیرکل گمرک ایران شد و در پی آن در واگذاری امتیازهای رویترا، انحصار تنباکو به تالبوت و قرارداد نفتی داریسی نقش ایفا کرد و در این جریان به ثروت هنگفتی رسید. نقش او به‌عنوان

داود دشتبانی

خبرنگار گروه دیپلماسی



دوران قاجار دوره اوج اعطای امتیازات تجاری به افراد و شرکت‌های خارجی و به‌ویژه انگلیسی است. دولت ضعیف ایران که از قافله دانش و تکنولوژی غافل مانده بود از گردونه تجارت بین‌المللی نیز عقب افتاد و به کشوری مصرف‌کننده محصولات اروپایی بدل شد و بدین ترتیب صنایع سنتی نساجی و دیگر اقلام نیز به مرور در رقابت با صنایع پیشرفته‌تر و به‌صرفه‌تر اروپایی تعطیل شدند و اقتصاد ایران ضعیف‌تر از گذشته شد. دولت ایران با کمبود منابع مالی مواجه شده بود و درآمدهای متعارف پیشین کفاف خرج‌های بیشتر را نمی‌داد و این چنین بود که یافتن محل درآمد به‌دغدغه دولتمردان بدل شد. ایران از لحاظ منابع طبیعی سرزمین غنی محسوب می‌شد اما استخراج و حمل و مصرف این منابع نیاز به تکنولوژی و سرمایه‌هنگفتی داشت که دولت ایران فاقد آن بود و این چنین سود که ایده اعطای امتیازات